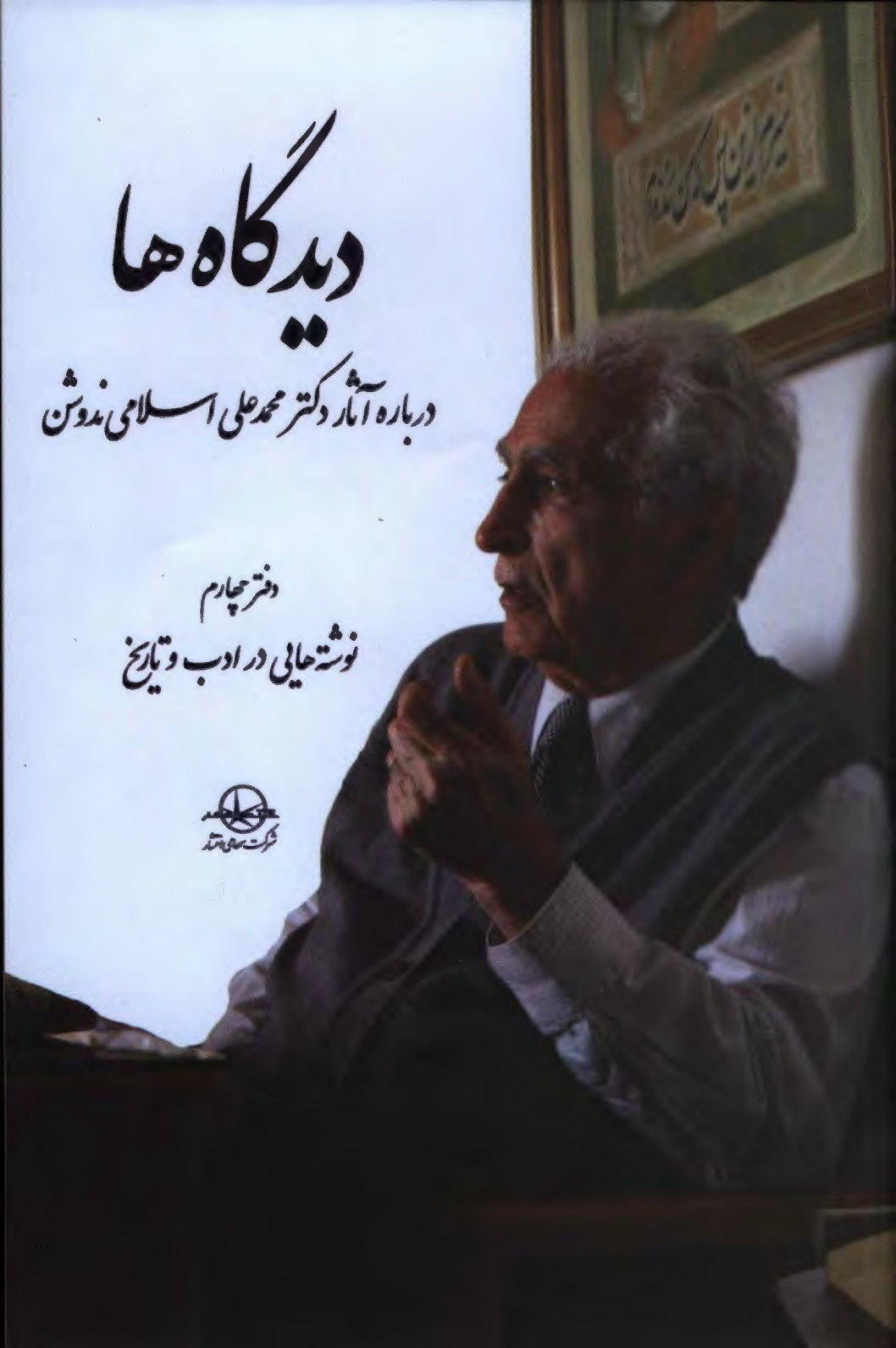


دیدگاه‌ها

درباره آثار دکتر محمد علی اسلامی ندوشن

دفتر چهارم
نوشته‌هایی در ادب و تاریخ





دیدگاه‌ها

درباره آثار دکتر محمد علی اسلامی ندوشن

دفتر چهارم
نوشته‌هایی در ادب و تاریخ

به کوشش
حسین مسرت و پیام شمس‌الدینی



سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک (دوره):

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

مندرجات:

عنوان دیگر:

موضوع:

موضوع:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیوبی:

شماره کتابشناسی ملی:

مسرت، حسین، ۱۳۳۹ / شمس‌الدینی، پیام، ۱۳۵۶.

دیدگاهها، درباره آثار دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن / به کوشش:

حسین مسرت و پیام شمس‌الدینی.

تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.

۱۷۴ ص.

ISBN 978-964-325-370-7(set)

ISBN 978-964-325-426-1(vol 4)

فیبا،

ج. ۳-۵ (چاپ اول: ۱۳۹۴) (فیبا)

ج. ۴. نوشته‌هایی در ادب و تاریخ

درباره آثار دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن.

اسلامی ندوشن، محمدعلی، ۱۳۰۴ -- نقد و تفسیر.

نویسندگان ایرانی -- قرن ۱۴ -- نقد و تفسیر.

PIRV9۵۳ ۱۳۹۳ ۸۷ ی ۸۹ س /

۸۶۸/۳۶۲

۳۵۲۹۰۸۲

دیدگاه‌ها

دفتر چهارم: نوشته‌هایی در ادب و تاریخ

به کوشش: حسین مسرت و پیام شمس‌الدینی

چاپ اول: ۱۳۹۴

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپخانه حیدری: ۵۰۰ نسخه



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۲

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

فهرست

دبیاچه گردآورندگان ۵

جام جهان بین (۱۳۴۶)

- ۹ جام جهان بین / احمد احمدی بیرجندی
 ۱۶ جام جهان بین / محمد دامادی
 ۲۴ [مدخل] جام جهان بین [از فرهنگ آثار] / جعفر شجاع کیهانی
 ۳۰ در حاشیه جام جهان بین / [نگین]
 ۳۱ جام جهان بین / [فردوسی]
 ۳۳ جام جهان بین / [یغما]
 ۳۵ بهترین کتاب ها - جام جهان بین / [زن روز]

آواها و ایماها (۱۳۵۴)

ادبیات کنونی به راه سومی نیاز دارد / [محمد] عاقل بیرنگ کوهدامنی ۴۱

نوشته های بی سرنوشت (۱۳۵۶)

- زبان فارسی زیر یک سایه، نگاهی به اثر تازه دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن / محمد
 صادقی ۵۱
 [معرفی کتاب] نوشته های بی سرنوشت / حسین مسرت ۵۳

ماجرای پایان ناپذیر حافظ (۱۳۶۸) و تأملی در حافظ (۱۳۸۱)

- نگاهی و گذری بر دو مقاله / اکبر اصغری تبریزی ۵۷
 ماجرای پایان ناپذیر حافظ [معرفی کتاب] / دکتر اصغر دادبه ۶۱
 اصالت و اعتدال در حافظ شناسی ایران گرایانه استاد دکتر اسلامی ندوشن / دکتر اصغر
 دادبه ۷۱
 غزل حافظ و کاپیتال مارکس / غلامحسین صدری افشار ۷۷

- پاسخی بر حاشیه حافظ و کاپیتال مارکس / عین الله علاء ۸۰
- خواجۀ فقیران و شهریار قاریان، حافظ / محمد محیط طباطبائی ۸۴
- نامه‌ای از افغانستان به دکتر اسلامی [ندوشن] / [یغما] ۹۹
- تأملی در حافظ، بررسی هفتاد غزل در ارتباط با تاریخ و فرهنگ ایران / [همشهری] ۱۰۲

باغ سبز عشق (۱۳۷۷)

- تفرّجی در باغ سبز عشق / مهدی آذر یزدی ۱۰۷
- باغ سبز عشق [معرفی کتاب] / محمد دهقانی ۱۱۶

ناردانه‌ها (۱۳۸۱)

- معرفی کتاب ناردانه‌ها / مصطفی علی پور ۱۲۳

چهار سخنگوی وجدان ایرانی (۱۳۸۲)

- دکتر [اسلامی] ندوشن: ادبیات ایران، شلاق زمانه خورده است / شبنم جنانی ۱۲۹
- [مدخل] چهار سخنگوی وجدان ایرانی [از فرهنگ آثار] / عبدالمحمد روح بخشان ۱۳۲
- چهار سخنگوی وجدان ایرانی / سید محمود سجادی ۱۳۳
- چهار حوض و پنج چشمه / پیام شمس الدینی ۱۳۶
- دکتر اسلامی ندوشن: سخنگوی چهار روح ایرانی / پیام شمس الدینی ۱۴۳
- سخنگویان بزرگ ادبیات ایران / دکتر ابوطالب میرعابدینی ۱۴۵
- چهار سخنگوی وجدان ایرانی: فردوسی، مولوی، حافظ، سعدی / [ایران شناسی] ۱۵۵

شهرزاد قصه گو (۱۳۹۲)

- [یک نامه درباره مجموعه مقالات] شهرزاد قصه گو / فرّخ امیرفریار ۱۵۹
- چهره یک جامعه مشوش، درنگی بر کتاب شهرزاد قصه گو / محمد صادقی ۱۶۱
- شهرزاد قصه گو [معرفی کتاب] / حسین مسرت ۱۶۴

پیوست‌ها

- اشاره‌ها ۱۶۷
- کتاب شناسی نقدها ۱۷۱

دیباچه گردآورندگان

«نوشته‌هایی در ادب و تاریخ» چهارمین دفتر از مجموعه دیدگاه‌ها، درباره آثار دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن است. در این دفتر نقد، بررسی و معرفی هشت کتاب از مجموعه بیش از ده کتاب اسلامی ندوشن در این موضوع‌ها گردآمده‌اند. گفتنی است مباحث مرتبط با فردوسی و شاهنامه که حجم بسیار بیشتری داشتند، در دفتری جداگانه (دفتر نخست: درباره فردوسی و شاهنامه) درج شده‌اند.

جام جهان‌بین (۱۳۴۶)، آواها و ایماها (۱۳۵۴)، نوشته‌های بی‌سرنوشت (۱۳۵۶)، ماجرای پایان‌ناپذیر حافظ (۱۳۶۸)، باغ سبز عشق (گزیده‌مثنوی معنوی، ۱۳۷۷)، ناردانه‌ها (گزیده رباعی‌های فارسی، ۱۳۸۱)، تأملی در حافظ (۱۳۸۱)، چهار سخنگوی وجدان ایرانی (۱۳۸۲) و سرانجام شهرزاد قصه‌گو (۱۳۹۲) هرکدام سرفصل‌هایی از این دفتر دیدگاه‌ها... را تشکیل می‌دهند.

شاید امروزه مندرجات برخی از این مقالات دیگر محل مناقشه اهل قلم نباشند، اما خود می‌توانند سرمشقی برای نقدنویسی و طرح‌واره‌ای در بررسی تاریخ نقد ادبی زبان فارسی در دوران معاصر باشند. بر یکی دو مقاله خاص نیز می‌توان انگشت نهاد که به‌رغم صلابت سخن و سخن‌گفتن از در مخالفت، لحظه‌ای قدم از میدان ادب بیرون نگذاشته‌اند و «مناظره» را به قول سرویراستار نشر دانش به «مفاوضه» برگزار کرده‌اند.

طیف وسیعی از نویسندگان و منتقدان ادبی در این مجموعه و به‌خصوص در این دفتر به سبب نگارش نقدهایی بر آثار دکتر اسلامی ندوشن گرد هم آمده‌اند، از آنها که به روزگار خود شیخ و پیر بوده‌اند و دیری است که از میان ما رفته‌اند تا آنها که روزگاری «دانش‌آموز سال ششم» بوده‌اند و اکنون پا به جرگهٔ مشایخ و پیران می‌گذارند. نیز نوخاستگانی که تازه پای در این راه نهاده‌اند و اصلاح سخن خویش را از سلطان سخن خواستارند.

در بارهٔ شیوه‌های گردآوری و کارهایی که کوشندگان در این مجموعه انجام داده‌اند، حرف تازه‌ای جز آنکه در سه دیباچه از سه دفتر پیشین رفت، نمی‌توان گفت. ترتیب فصل‌بندی کتاب براساس تاریخ نخستین چاپ هر کتاب است. در هر فصل مقالات براساس نام خانوادگی مؤلفان مرتب شده‌اند. گزیده‌ای از برخی مقالات که تنها در یک یا چند پاراگراف به کتاب‌های این مجموعه پرداخته بودند نیز در بخش «اشاره‌ها» درج شده است. همچنین کتابشناسی تمامی نقدهای هر دفتر پایان‌بخش آن دفتر شده است.

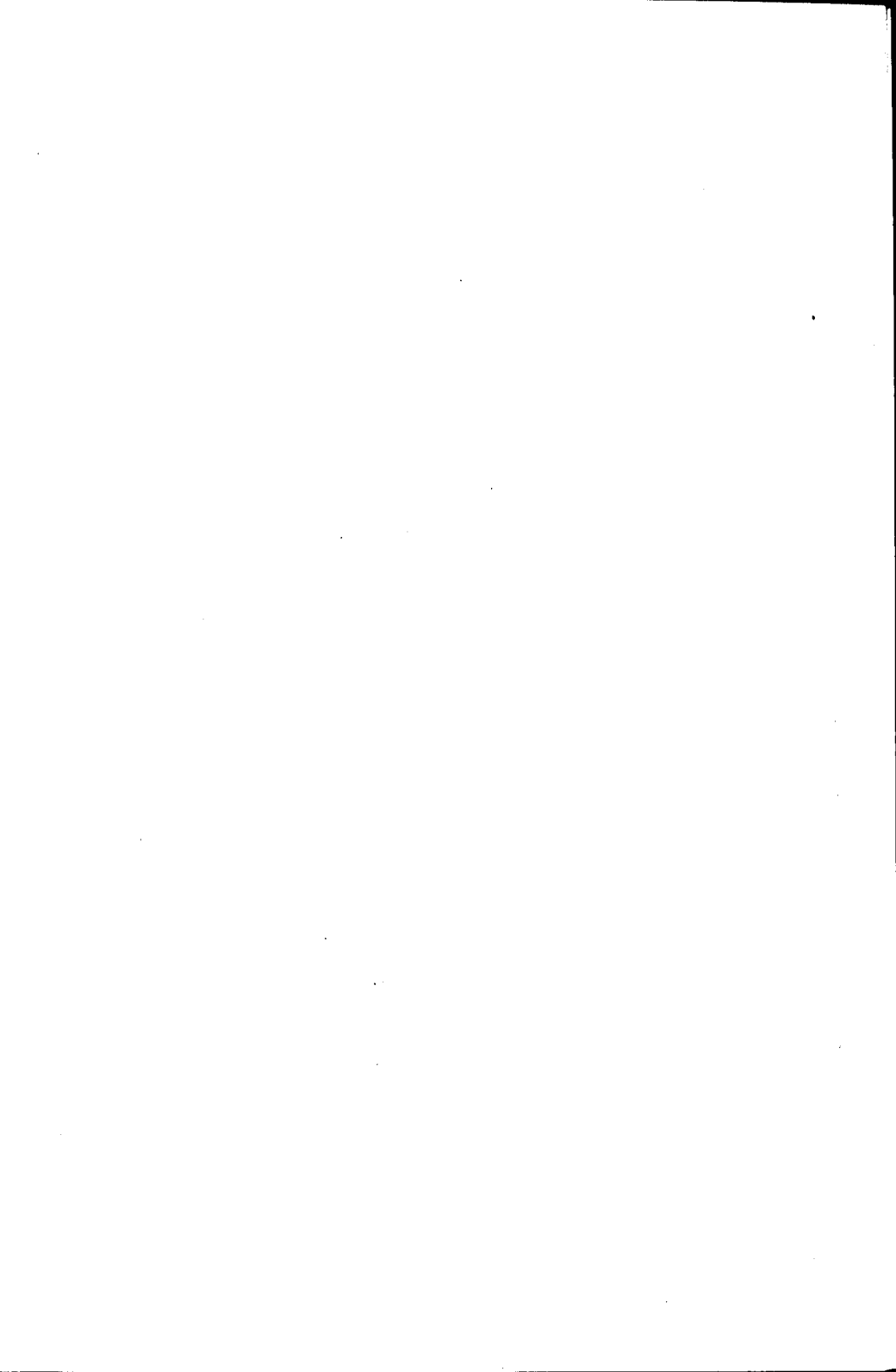
سنت نیکوی قدردانی و سپاسگزاری از دست‌اندرکاران چاپ و نشر بار دیگر کوشندگان را به تشکر از مدیریت و کارکنان مؤسسه حروفچینی شبستری، همچنین مدیریت و کارکنان شرکت سهامی انتشار رهنمون می‌شود.

حسین مسرّت

پیام شمس‌الدینی

جام جهان بین

(۱۳۴۶)



جام جهان بین*

در زمینه نقد ادبی و ادبیات تطبیقی

احمد احمدی بیرجندی

نوشته دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، چاپ

سوم، ۱۳۴۹ شمسی، از انتشارات کتابفروشی

ابن سینا، ۴۴۷ صفحه + دو مقدمه

نقد ادبی و به ویژه ادبیات تطبیقی در ایران هنوز مراحل ابتدایی را می گذراند. در این زمینه اگر کارهایی پراکنده انجام شده است همه در حد خود ضروری و ارزنده بوده است اما به یقین کافی و حتی نزدیک به بسندگی نبوده است. دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن از کسانی است که در این راه ناهموار گام های بلند و استوار برداشته مقالاتش شاهدی صادق بر شایستگی و کفایت وی در این فن پر دامنه و عمیق و در عین حال دقیق می باشد. آشنایی کافی با دو زبان زنده دنیا و احاطه کافی در امتهات متون ادب فارسی (نظم و نثر) و آگاهی اجمالی از سیر ادب فارسی و بیش از همه و مقدم بر همه اینها داشتن ذوق لطیف و حسن تشخیص و نکته یابی های خاص به دکتر اسلامی آمادگی کافی و کفایت لازم در این فن بخشیده است. گاه و به ندرت می توان متوجه این نکته شد که دکتر اسلامی آن اندازه که در ادبیات فارسی و ادب غربی آگاهی دارد، در زبان و ادب عرب و

معارف اسلامی و سیر و نفوذ عمیق ادبیات و تعلیمات قرآنی در ادب فارسی - که برای ادبیات کلاسیک فارسی از قدیم الایام منبعی سرشار و چشمه‌ای فیاض و پربرکت بوده است - احاطه‌ای آن‌چنان ندارد. یا چنین می‌نماید که توجه وی به این جنبه عموماً کمی کمتر از حد لزوم بوده است. این نکته را در مقالاتی مانند: «خیام و فردوسی» در صفحه ۱۶۸ همین کتاب و مقاله «جهان‌بینی ابوالفضل بیهقی» (ص ۳۰۳) و نظایر آن می‌توان دریافت که اشارات مربوط به شیوه تفکر و تربیت این مردان بزرگ در این مقالات محدود و شتاب زده است. بزرگانی مانند: فردوسی و خیام و ابوالفضل بیهقی و آثارشان اگر از یک جهت قابل مقایسه و تطبیق با افرادی مشابه خود در ادبیات غرب باشند و آثار مردی چون فردوسی را اگر بتوان با برخی شاهکارهای کلاسیک غرب تطبیق کرد؛ اما وجه نظر مستقد ادبی باید در درجه اول متوجه عوامل سازنده و فرم‌دهنده این بزرگ‌مردانی باشد که در بستر زمان مفهوم و معنای زندگی و جهت افکار و آثار خود را مدیون شیوه تفکر اسلامی و برخورد‌های عقاید دینی و تربیت خاص اسلامی بوده‌اند - فردوسی و خیام و بیهقی و دیگرانی که مورد بحث ما قرار می‌گیرند و با این افراد مشترکات فکری و تربیتی دارند همه سالیان دراز - بی‌هیچ کم و کاست و حتی کمترین تغییر - از دوره صباوت پای به مکتب‌های آن‌چنانی نهاده و با کلمات قرآنی و آیات ربّانی از ابتدا آشنا می‌شده‌اند و پس از تعلّم و تلمذ مقدمات صرف و نحو زبان عربی و آشنایی با فقه و اصول و علوم دقیقه مانند ریاضی و نجوم و علوم فلسفی و حکمی مانند کلام و حکمت و سرانجام تفسیر قرآن و علم اخلاق - اخلاق اسلامی و دینی - یا به راه معقول و حکمت و فلسفه می‌رفته‌اند، در عین آنکه از ریاضی و نجوم و طب هم بهره‌ای داشته‌اند؛ یا عمری را در منقول و رشته‌های حدیث و تفسیر و لغت و اخبار رسول اکرم (ص) سالیان دراز دود چراغ می‌خورده و شمع فکرت و زیت اندیشه می‌سوخته‌اند و به مراحل کمال می‌رسیده‌اند. اگر از میان چنین افرادی کسانی بوده‌اند که به امور ذوقی و ادبی خود را سرگرم می‌کرده‌اند و شاعری یا دبیری و کسب مشاغل دیوانی را پیشه

خود می ساخته اند، باز از کسب دانش و معارف زمان تا حد لزوم خود را بی نیاز نمی دانسته اند. از این جاست که بسیاری از شاعران ما حکیم نیز بوده اند و از علوم زمان خود به حد کفایت بهره مند. باری قیل و قال مدرسه و جریان های فکری و عقیده ای مانند بحث طولانی اشاعره [با] معتزلی مذهب ان و سرانجام جنگ درازدامن «هفتاد و دو ملت» که هر کدام در طول زمان و گذشت روزگاران بحث های داغ و تند برانگیخته و دسته هایی را به جان یکدیگر می انداخته و مشت و نعلین و گاهگاه چماق تکفیر بر سر هم می کوفته اند!

همه و همه آثار بین و روشنی داشته و در شکل دادن به اذهان و افکار ابناء روزگار تأثیری انکارناپذیر داشته اند - دلیل این اثرپذیری را در آثار شاعران و نثرنویسان آن روزگار به وضوح می توان دید - نثر بیهقی، رباعیات خیام و اشعار فردوسی و کلمات سعدی و مثنوی ویس و رامین و خمسة نظامی گنجوی و دیگر و دیگران همه مشحون است به اشارات زیاد به شیوه های تفکر اسلامی و اسلوب جهان بینی دینی و حکمی نویسندگان آنها که قبل از همه چیز تربیت یافتگان مکتب دین و مذهبی بوده و به عربی دانی مفاخرت می کرده اند.

حال برگردیم به اصل مطلب، کتاب جام جهان بین شامل مقالاتی است به شرح زیر: «ادبیات در عصر فضا»، «خواننده و نویسنده»، «سودابه و فدر»، «رومنو و ژولیت و زال و رودابه»، «ویس»، «ویس و ایزوت»، «خیام و فردوسی»، «نیشابور و خیام»، «خوشاوندی ایران و هند»، «حافظ، شاعر داننده راز»، «تأثیر اروپا در تجدد ادبی ایران»، «یک سرنوشت ممتاز»، «جهان بینی ابوالفضل بیهقی»، «آیا ویس و رامین یک منظومه ضد اخلاق است»، «ادبیات و اخلاق» و «ادبیات ایران و اخلاق».

آنچه در همه این مقالات مشترک است توجه و کوششی است که نویسنده در مسائل نقد ادبی و ادبیات تطبیقی داشته، گرچه برخی از عناوین به ظاهر از هم دور باشد و یا فواصلی در بیان و نگارش آنها پیش آمده باشد.

به نظر من یکی از بهترین و جذاب ترین مقاله های این مجموعه «حافظ، شاعر

داننده راز» است که در آن نویسنده با ذوق کوشیده است برخلاف آنچه تاکنون معمول به ادبا و حافظ‌شناسان بوده است - حافظ را با برش تحلیلی سخنش - به خواننده شناساند و غزلش را زیر ذره‌بین تحلیل و انتقاد و دستیابی به رموز و علل و اسبابی که آفریدگار چنین سخنانی بوده و آن در حد اوج، اوج بلاغت و فصاحت و زیبایی و گیرایی مرموز قرار داده است، بنهد و خواننده حافظ را به قصر دلگشای سخن وی راهبر شود و او را از نزدیک با اجزاء سازنده آن آشنا کند:

«قصری که پنجره‌های رنگارنگ و نقش‌ونگارها و چراغ‌ها و غرفه‌ها و عشرتگاه‌ها و محراب‌هایش، آن را به صورت مکانی افسانه‌ای درآورده است. در این قصر بدیع، طبیعی با مصنوع، فلز با گل، آب با بلور، کاشی با گیاه و جواهر با عطر ترکیب شده است. و از همه عجیب‌تر هوایی است که در آن شناور است. وزشی سحرآمیز، جوی مست‌کننده و بخورآگین که مجموع اشیا را دربرمی‌گیرد و به همه آنها سیلان و تپشی می‌بخشد. اگر بتوان پیکر رقصه‌ای را تصور کرد که در آن واحد، موسیقی و رقص و عطر و رنگ‌های قوس قزحی از خود بیفشاند تجسمی از غزل حافظ است.»^۱

دکتر اسلامی با ذوق لطیف خود سعی می‌کند در قالب و معنی شعر حافظ نفوذ کند تا راز سخن او را پیدا کند. گرچه خود مانند بسیاری از حافظ‌شناسان، قبل از همه چیز، اعتراف می‌کند که: «... در هر اثر بزرگ، لطیفه‌ای هست که از حد تفسیر و بیان درمی‌گذرد و این همان است که خود حافظ آن را "آن" نامیده، لیکن می‌توان کوشید و عناصر اصلی‌ای، که کلام او را جاویدان و همگان‌پسند کرده باز شناخت و جدا جدا مورد بحث قرار داد» و سپس این عناصر را به دو دسته: صوری و معنوی تقسیم می‌کند. و از حیث صورت (forme) به سراغ کلمات و ترکیب کلمه‌ها می‌رود و به دنبال آن آهنگ و طنین و موسیقی کلام حافظ اندام غزل و ترکیب ابیات و تلفیق خاص سمفونی وار غزل و سرانجام طرز بیان او را مورد بحث و استقصاء قرار می‌دهد و در مقوله معنی، روش خاص بینش و ادراک، وحدت وجود، و سرانجام مضمون و اندیشه عمیق حافظ و یا به قول

نویسنده «شعری که عصاره تاریخ و تمدن ایران است و مجموعه رنج‌ها و شادی‌ها و تجربه‌ها و دانش‌های قوم ایرانی» [مانند موسیقی اصیل ایرانی] می‌باشد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. و برای نمونه یک غزل برهنه به مطلع:

مدام مست می‌دارد، نسیم جعد گیسویت

خرابم می‌کند هر دم، فریب چشم جادویت
را با نشان دادن تمام صنایع لفظی و معنوی و پیچ و خم‌های کلامی و تأثیر و ترکیب حروف با یکدیگر و نشان دادن نمودارها (دیاگرام‌ها)ی دقیق خواننده را با لطائف سخن بلند و مرموز حافظ آشنا می‌کند.

به یقین دست یافتن به لطائف سخن امثال حافظ و رموز و زیبایی‌های آن، که اغلب معانی و نکات فرار و غیر ملموس و به قول معروف «یَدْرَک و لَا یُوصَف» است، کاری است نه آسان و انجام شدنی که هر کس را بدان راهی باشد. اما به یقین اگر نتوان همه چنین نکات لطیف و دیربایی را تحلیل و بیان کرد، می‌توان گفت: بسیاری از کسانی که مفتون و مسحور سخن حافظ شده و می‌شوند، بدین نکات ظریف - دست کم - توجه داشته و دارند. آقای دکتر اسلامی به کاری در این مقال دست زده است که باید گفت - تا حد زیادی - بی سابقه بوده است.

این روش را - که می‌توان برخلاف روش کلی و ترکیبی^۲ بسیاری دیگر از حافظ‌شناسان، شیوه تحلیلی^۳ نامید، باید در دبیرستان‌ها و بعدها در دانشکده‌ها معمول شود و مطالب لفظی و معنوی و زیبایی‌های سخن که در صناعات ادبی و معانی و بیان جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد، در آزمایشگاه آن - یعنی اشعار شاعران گرانقدر مانند سعدی، حافظ و دیگران عملاً مورد تحلیل و تجزیه قرار گیرد - البته همانطور که اشاره رفت: این نه کاریست آسان ولی شدنی است و از هر کجا که شروع شود، مغتنم است.

چقدر به جا و بایسته بود که نویسنده لطیف طبع برای تکمیل این بحث دو سه غزل دیگر از نمونه‌های مختلف غزل حافظ یک نمونه از غزلیات عرفانی - عاشقانه و

سیاسی و اجتماعی، را به بحث و تحلیل می‌گرفت و استنباطات ارزنده خود را به همین اسلوب به روی کاغذ می‌آورد تا دانشجویان را به کار آید و حافظ دوستان را ارادت بیفزاید.

مقاله دیگری که در این مختصر خوب است از آن یاد شود اولین مقاله این مجموعه است؛ تحت عنوان «ادبیات در عصر فضا» می‌باشد که نخستین بار در مجله نگین شماره‌های بهمن و اسفندماه ۱۳۴۸ شمسی منتشر شد و سپس با اصلاحاتی مختصر در این مجموعه جا گرفت. این مقاله حقاً دارای نکات بسیار دقیق و آموزنده است؛ از جمله مطالبی که در این مقاله بدان اشاره شده است این است که ادبیات برای بشر جنبه تفننی و تجملی ندارد زیرا اگر چنین باشد «دنیا خواهد توانست هروقت خواست از آن چشم بپوشد و تفنن دیگری را که با روح زمان بیشتر سازگار باشد، جانشین آن کند.»^۱ ادبیات تغییر می‌کند - تغییر سیما می‌دهد ولی ماهیت آن تغییر نمی‌کند - لزوم ادبیات برای بشر از صنعت و فن بیشتر است زیرا ادبیات با قلب و روح بشر سروکار دارد - ادبیات قلب اجتماع است. ادبیات آدمیان را با زندگی و خویش آشنا می‌کند - و ناگواری‌ها و نقائص زندگی را می‌شناساند و آن را قابل تحمل می‌سازد - زیرا ادبیات دنیایی را مجسم می‌کند که در آن از نارسایی‌ها خبری نیست - هنرمند زندگی را آن‌چنان که باید باشد مجسم می‌کند - اما در آینده ادبیات به چه صورتی درخواهد آمد. چند نکته را می‌توان پیش‌بینی کرد: از جمله آنها:

۱. کمیت بر کیفیت پیشی خواهد گرفت (متأسفانه این دردی است که در همه سازمان‌های اجتماعی امروزه راه یافته است).

۲. جنبه سرگرم‌کنندگی و تحریک آمیزی ادبیات افزایش خواهد یافت.

۳. وقایع روز و سیاست بیش از پیش در ادبیات راه خواهد یافت.

۴. مطالب ادبی بیشتر از طریق چشم به وسیله تلویزیون به افکار راه خواهد یافت.

تلویزیون رقیبی برای کتاب شده و خواهد شد زیرا هنگامی مجال کم شد،

فرصت مطالعه کتاب و تفکر کمتر به دست خواهد آمد؛ افکار و اذهان قالبی و کلیشه‌ای خواهد شد، بیشتر مردمی که در دنیای صنعتی زیست می‌کنند، اندیشه‌هایی مشابه هم خواهند داشت. حکومت تبلیغات نیرومندتر می‌شود و بر اعصاب و افکار اثری شدیدتر می‌گذارد. مباحثی که در این مقاله عنوان شده است، همه درخور تأمل و تدقیق است و باید با دقت خوانده شود.

سؤال مهمی که در این مقاله مطرح می‌شود ولی جواب آن به بعد موکول شده است، این است که: چه باید کرد؟ کشورهای چو کشور ما که سرمایه ادبی و فرهنگی گرانقدری دارند چه مشی‌ای را باید در پیش گیرند؟ ماشین و تجدد [نه تمدن] در کشور ما با قدرت مقاومت‌ناپذیری به جلو می‌تازد؛ مقاومت زیادی می‌خواهد که این آثار در برابر سیل و هجوم دنیای صنعتی منهدم نشود.

هم‌اکنون هر سال در امتحان ورودی دانشگاه‌ها نزدیک هفتاد هزار نفر داوطلب با مغزهایی پر از فرمول‌های کوتاه - تست‌های ماشینی - چنان که باب طبع ماشین‌های آی. بی. ام. باشد، صف می‌کشند. به این جوانان یاد نداده‌اند که چگونه نام‌ها را باید نوشت؟ چگونه احساسات و افکار خود را باید بر روی کاغذ آورد. چنین چیزها کسی از وی نمی‌خواهد ولی تا دلتان بخواهد فرمول‌های کوتاه بلد است؟ آنها را چون دانه‌های تسبیح در ذهن خود چیده و انبار کرده است. چنان می‌خواهند و او چنین تربیت شده است. بگذریم؛ این رشته سر دراز دارد! این یکی از مظاهر زندگی شبه صنعتی ماست!

با تأسف مجال بحث درباره سایر مباحث کتاب نداریم. خوانندگان عزیز را به خواندن این کتاب پرارزش دعوت می‌کنیم که مطالب مفید و ارزنده در آن کم نیست.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صفحه ۲۶۲ کتاب حاضر [= جام جهان‌بین].

2. synthétique

3. analytique

۴. صفحات ۲۲-۲۳.

جام جهان‌بین*

دکتر محمد دامادی

در زمینه نقد ادبی و ادبیات تطبیقی، از
دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، چاپ
سوم از انتشارات ابن‌سینا، آذرماه ۱۳۴۹

دکتر محمدعلی اسلامی بدون تردید در شمار معدود کسانی است که بر غنا و عمق و معنی ادب و فرهنگ ایران افزوده و آثاری شایسته عرضه در بازار فرهنگ جهانی به وجود آورده‌اند. نوشته‌های او به زمینه‌های گوناگون نقد و بررسی مسائل اجتماعی و ادبی احتوی دارد. قبل از مجموعه حاضر، می‌توان کتاب‌های ایران را از یاد نبریم و به دنبال سایه همای را نام برد که انتشار آنها در میان مردم جامعه کنونی ایران، اثری عمیق به جای نهاد.

ایران را از یاد نبریم و به دنبال سایه همای، دو مجموعه است حاوی مقاله‌های متنوع در زمینه مسائل گوناگون فرهنگی و اجتماعی که به تدریج در مجله یغما چاپ شد و مجله یغما را بلندآوازه کرد و سپس به صورت مجموعه‌های مستقل عرضه گردید.

دقت و باریک‌بینی، نکته‌سنجی و موشکافی خاص نویسنده، خواننده را

* نگین، س ۷، ش ۷۱ (فروردین ۱۳۵۰)، ص ۴۲-۴۳ و ص ۵۶.

می‌رباید و به زبان کنایت و اشارتی که بلیغ‌تر از صراحت و خاص اهل بشارت است، ناگفتنی‌ها را بازمی‌گوید.

مطالبی را که نویسنده در کتاب جام جهان‌بین طرح کرده و درباره هریک از آنها به بحث پرداخته، شامل دو بخش است:

۱. مطالب و مسائلی که نویسنده در زمینه نقد ادبی به رشته تحریر درآورده است.

۲. کوشش‌های نویسنده در زمینه ادبیات تطبیقی و بررسی و بحث درباره چند موضوع ادبی ایران و وجوه اشتراک و یا تمایز و افتراق هریک از آنها با موارد مشابه خود در ادبیات جهان.

در مقدمه کتاب، نویسنده تصویری دقیق از هدف‌هایی که شعر فارسی در دوره‌های گوناگون عمر دراز خود از دوره اسلامی تا عصر حاضر دنبال کرده، به صورتی روشن و عاری از تکلف به دست داده و ارزیابی جامعی از ادبیات ایران با یک نگرش واقع‌بینانه و مبتنی بر اصول نقد ادبی به عمل آورده است. به قول حافظ: «به لفظ اندک و معنی بسیار»، تاریخ تحولات فکری و اجتماعی ایرانیان در دوره‌های مختلف اسلامی تا عصر حاضر، به اختصار و به کیفیتی دلنشین و کم‌سابقه در این نوشته‌ها تشریح شده است. نویسنده در پایان به نتیجه منطقی و درست رسیده است که «ما هر کوششی برای شناختن گذشته خود بکنیم، سروکارمان نخست با شعر خواهد بود مثلاً نمی‌توانیم تاریخ ایران را بنویسیم بخصوص تاریخ اجتماعی و تاریخ تمدن و فکر او را مگر آنکه در این توده عظیم دیوان‌های شعر به جستجو بپردازیم... برای بهتر شناختن خود و گذشته کشورمان.»

مقاله «ادبیات در عصر فضا» را باید در حقیقت فتح بابی تلقی کرد، در پاسخ به یک نیاز بسیار ضروری و لازم زمان ما، و آن «توجیه ادبیات» است و البته این مسئله‌ای نیست که به سادگی بتوان از کنار آن گذشت بلکه پرسشی است که برای اکثر قریب به اتفاق جوانان روزگار ما حتی برای جوانان دانشجو و روشنفکر و

اهل ادب و نیز انبوه مردم جامعه، به کرات مطرح شده است. بارها از خود و دیگران پرسیده و می‌پرسند که «ادبیات به چه درد می‌خورد؟» و جواب روشنی برای سؤال خود نمی‌یابند.

بی‌پرده باید بگویم که جوانان روزگار ما خود را کاملاً بی‌نیاز از ادبیات احساس می‌کنند و در همه سطوح آموزشی با وجود لزوم و اهمیت و ارزش و هدف‌های عالی‌ای که از ترویج و اشاعه و گسترش و تدریس زبان و ادبیات فارسی به تصریح در برنامه‌ها منظور گردیده، مشکل همچنان باقی است و البته قسمتی از بار این مسئولیت بر دوش مدرسان زبان و ادبیات فارسی و نیز نویسندگان کتاب‌های درسی ادبی است.

موجب شگفتی است که برخی از مسئولان رسمی مدارس نیز به وظایف خطیر خویش آشنایی و بصیرت ندارند، چنان که روزی در مدرسه‌ای شاهد و ناظر بودم یکی از اولیای دانش‌آموزان به مدرسه مراجعه نمود و با کمال احترام و ادب از مدیر مدرسه درخواست کرد که برای دانش‌آموزان کلاسی که فرزندش در آن تحصیل می‌کرد و دبیر ادبیات آن به شغل اداری انتقال یافته بود، معلمی دیگر تعیین نماید. شاید فرزند او و دیگر دانش‌آموزان در امتحان آخر سال توفیق یابند؛ اما مدیر مدرسه بایستی اعتنایی کامل در پاسخ به این تقاضا گفت: «آقا ادبیات که مهم نیست، فرزند شما خودش هم می‌تواند فارسی بخواند!»

دکتر اسلامی در این مقاله، پس از تمهید مقدمه‌ای، پیرامون کیفیت پیدایش ادبیات و مراحل وجود و تکوین آن در طی زمان از نخستین روزگاران زندگی بشر، تا آنگاه که ادبیات بر جامعه بشر تأثیر می‌گذارد و رابطه‌ای با نفس زندگی می‌یابد، به بحث پرداخته و با طرح و بررسی آراء و افکاری که به مناسبتی با استنتاج‌های دلنشین نویسنده ارتباط دارد، همراه با نقد منصفانه و عاری از تعصب هر کدام از آنها، سرانجام به این نتیجه می‌رسد که:

«بین علوم و ادبیات معارضه‌ای نیست؛ نه آنگونه است که یکی به قلمرو پیشرفت و دیگری به قلمرو اوهام و کهنگی متعلق باشد، فرهنگ گران قدری که

برای بشریت مانده است محصول تلفیق متعادل است از واقعیت و آرمان، ممکن و ناممکن، اندیشه و تخیل.» (ص ۴۱)

نویسنده در پایان مقاله به بررسی ادبیات درسی سال آینده پرداخته و به تأثیری که پیشرفت‌های علمی در سال‌های آینده خواه‌ناخواه در ادبیات نیز مانند سایر شئون زندگی بشر به جای خواهد نهاد، اشاره کرده است. برای مثال گفته شده است که به یاری گسترش و تعمیم علم چه‌بسا که شب درسی سال آینده زوال پذیرد (ص ۵۱) و تاریکی‌ها به روشنائی گراید! و در نتیجه «ادبیات نئون لامپی!» ای به وجود آید که طلیعه این پیش‌گویی از هم‌اکنون آشکارست؛ و هستند فرصت‌طلبانی که از این بازار آشفته استفاده می‌کنند و نویسنده از آنها با تعبیری سابقه و زیبای «شبروان ادبی» یاد کرده است.

همچنین نویسنده پیش‌بینی کرده است که ادبیات در آینده جنبه آرمانی و امیددهندگی خود را از دست خواهد داد و ادبیات حساب‌شده‌ای جایگزین آن خواهد شد.

در تأیید این سخن باید گفت که برای شناخت ادبیات و هنر باید به جامعه روی آورد، که خاستگاه حقیقی آن است و شخصیت هرکس نیز ساخته و پرداخته محیط اجتماعی اوست. از این رو برای ارزیابی ادب و هنر باید به روابط متقابل اجتماعی مردم و سایر شئون اجتماعی نیز توجه داشت. فکر می‌کنم که با شتابی که بشر روزگار ما برای یکنواخت شدن در خوراک و پوشاک و اندیشه و فکر و سایر مظاهر زندگی، از خود نشان می‌دهد، ادبیات آینده او هم چیزی جز یک دسته فرمول‌های پیش‌بینی شده و فاقد آرمان نباشد، و اگر نبرد اتمی یا بلایی آسمانی به سراغ انسان این عصر نیاید، با این سقوط فکر و اندیشه و فقدان عروج روحی که از هم‌اکنون نشانه‌های آن مانند «هوای گرگ و میش» آشکار گردیده است، مرگ حقیقی او حتمی خواهد بود.

نویسنده در این مقاله که در نوع خود بی‌نظیر است از دیدگاه واقع‌بینانه و نه خیال‌بافی و رویا، لزوم ادبیات و فرهنگ را برای بشر به‌طور عام و نقش اساسی

آن را در ساختن روح و فکر و شخصیت افراد مورد بررسی دقیق قرار داده و هدف ادبیات را در دوره‌های مختلف زندگی بشر، با استیلا و وقوفی که بر دقایق مسائل دارد، باز نموده است.

مقاله دوم کتاب به عنوان «خواننده و نویسنده» است. در این مقاله، نویسنده در باب اهمیت کار نویسندگی و رسالتی که در برابر مردم جامعه دارد، بحث کرده و جنبه‌های گوناگون کار نویسنده و تأثیراتی را که خواه‌ناخواه آثار نویسنده در جامعه برمی‌انگیزد، مورد بررسی و تحلیل و تجزیه قرار داده است. در این مبحث از جریان ادب معاصر نیز سخن به میان آمده و ویژگی‌های ادب سیال روزگار ما با قلمی دقیق و موşkاف به رشته تحریر درآمده.

«سودابه و فدر از نظر فردوسی و راسین»، «شب رومئو و ژولیت و شب زال و رودابه»، «ویس و ایزوت»، «خیام و فردوسی» عنوان مقاله‌هایی دیگر از جام جهان‌بین است. در این مقاله‌ها دقت و نکته‌سنجی خاص نویسنده و همچنین آشنایی و وقوفی که بر متون ادب فارسی و خارجی دارد، موجب گردیده است که اظهار نظر او هنگام بررسی و نقد و تطبیق ویژگی‌های مشترک و یا وجوه تمایزی که در آثار ادبی ممکن است موجود باشد، از اصابت نظر و سنجش دقیق علمی برخوردار باشد و نویسنده شباهت نزدیک میان وقایع داستان‌ها را بازمی‌گوید و با دقت در جزئیات و نکات، به وجوه اشتراک و یا تمایز و افتراق مسائل در زمینه ادبیات تطبیقی می‌پردازد.

«نیشابور و خیام» مقاله دیگری از این کتاب است که حاصل مسافرت و اقامت دوروزه نویسنده در نیشابور و تأمل در مظاهر زیبای آفرینش و الهام از طبیعت آن شهر تاریخی به شمار می‌رود. نویسنده در پناه آرامش نسبی نیشابور، به تأمل و اندیشه «خیامی» پرداخته و حاصل این مشاهده و بهره‌وری را در مقاله دلنشین و زیبا و سرشار از احساس خود، به خوانندگان عرضه داشته است.

لطف تخیل و قدرت استنباط نیرومند و نیز توانایی تشخیص و بیان وجوه اشتراک و تمایز بین دوران قدیم و دوران جدید از تراوش فکر نویسنده در این

مقاله نیز به خوبی آشکار است. این مقاله ار مغان سفر و نتیجه کوشش نویسنده‌ای است که خواسته است از سطح و ظاهر اشیا عبور کرده، و به غور باطن آنها برسد و باید گفت که این کوشش و تلاش با توفیق تام همراه بوده است. گذشته از این، احاطه وسیع نویسنده بر مسائل تاریخی و جغرافیایی و ادبی و اجتماعی بر امتیاز و ارزش و جامعیت و کمال مقاله افزوده است.

در مقاله «خویشاوندی فکری ایران و هند در قصه‌ای از مثنوی» نویسنده در باب اشتراک اندیشه عرفانی دو ملت ایران و هند و تجلی این پیوند در ادبیات دو کشور به تحقیق پرداخته و وجوه این اشتراک را با مقایسه مظاهر برجسته اندیشه دو ملت با شناسانیده است.

«حافظ، شاعر داننده راز» مقاله دیگر جام جهانی‌ن است. نویسنده پس از یک بحث بسیار دلنشین و بی سابقه درباره حافظ، پیرامون صورت و معنی کلام حافظ، به بررسی و دقت پرداخته و به تجزیه و تحلیل یکی از غزل‌های ناب حافظ دست زده است. این مقاله برای کسانی که دوستدار پژوهش و مطالعه درباره جنبه‌های گوناگون شعری و هنری حافظ هستند، راهنمای خوبی تواند بود. نویسنده در مقاله «تأثیر اروپا در تجدد ادبی ایران» به کیفیت ارتباط ایرانیان با مردم اروپا و نحوه پذیرش تمدن و فرهنگ اروپا اشاره می‌کند و عوامل مؤثر در پذیرش تمدن اروپا و رسوخ فرهنگ اروپایی را در میان ایرانیان بازمی‌نماید. در این مقاله ضمن بررسی کلی و بالنسبه جامعی از ادبیات ایران در دوره مشروطیت و ضمن معرفی پیشوایان ادبی این نهضت، به نقد ادبیات معاصر نیز اشاره‌ای شده است.

«یک سرنوشت ممتاز» مقاله‌ای دیگر است که در آن زندگانی سیاسی و اجتماعی حسنک وزیر که در تاریخ مسعودی به شرح آمده، ارزیابی گردیده است. «جهان‌بینی ابوالفضل بیهقی» عنوان بخشی دیگر از این کتاب است که در آن نویسنده به نقد تاریخ بیهقی پرداخته است و تأثیر روزگار و وجوه مشترک اندیشه‌های بیهقی با فردوسی و معتقدات و خصوصیات اخلاقی ابوالفضل بیهقی

را به تفصیل و همراه با شواهد متعدد و استخراج مثال‌های فراوان از آن کتاب برای اثبات اصول بحث خود، بیان کرده است.

«آیا ویس و رامین یک منظومه ضد اخلاق است؟» و «ادبیات و اخلاق» و «ادبیات ایران و اخلاق» نام سه مقاله دیگری است که کتاب جام جهان‌بین را پایان می‌بخشد و نویسنده در این مقاله‌ها در پیرامون هریک از این موضوعات به بحث پرداخته و به ارزش و اعتبار و جامعیت و کمال علمی این مجموعه افزوده است. خلاصه اینکه باید گفت که دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن در کتاب جام جهان‌بین به زیباترین نحو، فعالیت روح و اندیشه را در زمینه ادبیات و در ارتباط آن با مسائل اجتماعی و انسانی باز نموده است.

این کتاب دفاعی است از ادبیات واقعی، بدان گونه که مورد احتیاج دنیای امروز است. او می‌نویسد:

«ادبیات با همه نوسان‌ها و شیب و فرازها و مارپیچ رفتن‌هایش، باز هم بزرگترین معترض نارسایی‌ها و ناهمواری‌ها در طی تاریخ بوده است.»

ایران دوستی نیز از مظاهر برجسته فکر نویسنده در کتاب است و اصولاً کمتر کتاب یا مقاله‌ای از او هست که از نام ایران با عمق و معنی جاودانی و عاری از تعصب آن، یاد نشده باشد.

همین گونه است نظر او درباره تمدن و فرهنگ شرق. نویسنده هوادار و مدافع تفکر و فرهنگ پاینده و اصیل و دیرین مشرق زمین است که به نظر او باید در برابر هجوم تمدن غربی، شخصیت و اصالت خود را حفظ کند و بی تردید محمدعلی اسلامی در زمان ما یکی از نخستین و مؤثرترین مدافعان شخصیت شرق در برابر غرب بوده است.

نظم منطقی و توأم با نکته‌سنجی که از سراسر مطالب کتاب آشکار است، نیز از وجوه تمایز این کتاب با دیگر آثار مشابه است. نویسنده در همه مقاله‌ها از یک نظام فکری متین در روزگار اغتشاش فکر پیروی کرده است.

اگرچه نقد در روزگار ما غالباً یا رنگ تعارف به خود گرفته است و یا جز بیان

عقده‌های پیچ‌درپیچ نیست، و آنچه جایش به راستی خالی است سنجش بر مبنای درست و موازین استوار اخلاق است، با این حال به عقیده من، هرگز نباید در این میانه نقش تماشاگر را داشت بلکه باید با ادا کردن حق کسانی که شایستگی علمی و فضیلت اخلاقی دارند، وظیفه واقعی خود را به جامعه و مردم که خوشبختانه بیشتر آنها دوستدار اصالت در برابر قلب هستند، ادا کنیم.

خواندن کتاب جام جهان‌بین را به همه دوستداران علم و فکر و اندیشه نو، بار دیگر تأکید می‌کنم.

تهران، شنبه اول اسفندماه ۱۳۴۹ خورشیدی